

## الزامات حقوقی دیپلماسی فرهنگی ایران در عرصه روابط بین الملل

یاشار طاهری<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰ / ۰۲ / ۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰ / ۰۳ / ۲۰


### چکیده

در رویدادهای سالیان تازه گذشته، دیپلماسی فرهنگی در پهنه روابط بین الملل، در راستای بهبود مناسبات و پیوندها و ارتباطات میان کشورها مخصوصاً جوامع و دولت‌های منطقه‌ای جایگاه ویژه‌ای یافته و موجب هم‌گرایی میان دولت‌ها و ملت‌ها گردیده است. دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان ابزار سیاست خارجی کشورها که هنر ترویج و گستردن فرهنگ در همه ابعاد آن را برعهده دارد، در فراهم آوردن زمینه‌های همکاری‌های مشترک، شناخت و شناساندن فرهنگ‌ها و دادوستد ارزش‌های فرهنگی و استوارسازی و تثبیت روابط پایدار میان مردمان، اقوام، جوامع بومی و دولت‌ها تأثیر بسزایی داراست. در این مقاله که با شیوه کتابخانه‌ای و تحلیلی و نگاه تطبیقی، توصیفی و گردآوری گزارش‌ها و رخدادهای روز انجام شده است، تلاش می‌شود تا نقش دیپلماسی فرهنگی که از گونه‌های دیپلماسی عمومی می‌باشد، در منطقه و عرصه جهانی و مؤلفه‌ها و الزام‌های حقوقی آن با نگاه به درون کشور با رویکرد بین‌المللی تبیین گردد. به‌دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که نظام جمهوری اسلامی دارای چه مقررات و ابزارهای قانونی و حقوقی برای دیپلماسی فرهنگی پویا و فعال در روابط بین‌الملل و میان کشورها و مردم است. در نهایت؛ به این نتیجه می‌رسیم که با نگاه به اسناد قانونی بالادستی مانند قانون اساسی و نهاد کلانی هم‌چون شورای عالی انقلاب فرهنگی و نیز استفاده منطقی و درست از قواعد حقوق بین‌الملل در دیپلماسی فرهنگی ایرانی، می‌توان راه تکمیل دست‌یابی به جایگاه شایسته هدف را پویید و نقش کلیدی را بیش‌تر در معادلات منطقه‌ای و بین‌الملل، در راستای توسعه پایدار و صلح و گفتگوی دوستانه ایفا نمود.

**کلید واژه‌ها:** دیپلماسی فرهنگی، قانون اساسی، قدرت نرم، دیپلماسی عمومی، حقوق فرهنگی.

**استناد فارسی (شیوه‌ی APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوه‌ی APSA)**

طاهری، یاشار (۱۴۰۰). «الزامات حقوقی دیپلماسی فرهنگی ایران در عرصه روابط بین‌الملل». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال چهارم، شماره دوم، پیاپی ۱۴، صص ۷۸-۵۳.

<sup>۲</sup>. پژوهشگر همکار اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز؛ دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات خوزستان، اهواز، ایران. ایمیل: Dr.yashartaheri@gmail.com  
 کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی CCA (Creative Commons Attribution) نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با باریگری کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

## ۱. مقدمه

روابط فرهنگی در سه پدیده تاریخی جنگ، مذهب و استعمار<sup>۱</sup> ریشه دارد. از جنگ‌های باستانی ایران و یونان و ایران و روم تا جنگ‌های صلیبی و حتی جنگ افغانستان و جنگ تحمیلی ایران و عراق همواره در کشاکش نبرد شمشیرها و ناوشکن‌ها، ارتباطات میان تمدنی رخ نموده است. در این اتفاقات، نقش گروهی تحت عنوان میسیونرهای مذهبی که از سوی دول استعماری چون بریتانیا، فرانسه، اسپانیا و غیره، برای انجام مأموریت اطلاعاتی و استعماری خود به مناطق استعمارشده گسیل می‌شده‌اند؛ بسیار قابل توجه است. اینان، تحت لوای کشیشان یا روحانیان مذهبی با برپا کردن کلیساها ولو به صورت یک چادر یا کپر، کار خود را آغاز نموده و مقاصد سیاسی دولت متبوع خویش را با هر راه و وسیله‌ای در مستعمرات<sup>۲</sup>، پی‌گیری و اجرایی می‌کردند. امروز نیز قدرت‌های استعمارگر در اروپا، از جمله فرانسه، آلمان و بریتانیا، بیش‌ترین فعالیت‌های فرهنگی را در مستعمرات پیشین خود دنبال می‌کنند (Braisted, 1986: 2-9).

در سایه ارتباطات نوین جهانی و نزدیکی روزافزون ملت‌ها، انتقال ارزش‌ها و تأثیر و تأثرهای متقابل فرهنگی با گستردگی و شتاب باورنکردنی در حال شکل‌گیری است. در حال حاضر بسیاری از اندیشه‌ورزان و سیاست‌مداران، محور پیوندهای آینده جهان را روابط فرهنگی و اختلافات و اشتراکات تمدنی می‌دانند. ملت‌های امروز نیازمند شناخت ژرف باورهای مذهبی و فلسفی در دیگر فرهنگ‌ها و شیوه نگرش سایر ملل هستند، بنابراین مشترکات موجود را باید بشناسند. هر فرهنگی باید ضمن شناخت فرهنگ‌های دیگر، هم‌زیستی با آنان را نیز بیاموزد. برای مردم، آنچه مهم است؛ باورهای دینی، خانوادگی، ارتباطات خویشاوندی، اعتقادات و دیگر اموری است که مردم با آن‌ها شناخته می‌شوند، برای آن‌ها مبارزه کرده و در راه آن‌ها جان‌فشانی می‌کنند.

از دیرباز؛ کشورها از سیاست خارجی<sup>۳</sup> برای تحقق منافع ملی<sup>۴</sup> خود استفاده کرده و ابزار سیاست خارجی آن‌ها در بیش‌تر موارد دیپلماسی<sup>۵</sup> بوده است. آن‌ها به‌طور سنتی دیپلماسی را در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی در عرصه بین‌الملل برای اعمال سیاست خارجی خود مدنظر داشته‌اند، ولی تغییر شرایط، به‌خصوص؛ پس از پایان جنگ سرد<sup>۶</sup> و جهانی‌شدن<sup>۷</sup> موجب شد تا «فرهنگ و مؤلفه‌های فرهنگی» نیز به‌عنوان رکن چهارم سیاست خارجی مطرح شده و در نتیجه دیپلماسی تحول یافته و دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان ابزاری مهم در تأمین منافع ملی و تحقق اهداف سیاست

1. Colonization

2. Colonies

3. Foreign Policy

4. National Interest

5. Diplomacy

6. Cold War

7. Globalization

خارجی به کار گرفته شود(خانی، ۱۳۸۴:۱۳۷). در حال حاضر در دوره پساجنگ جهانی دوم<sup>۱</sup> قرار داریم که از آن تحت عنوان «دیپلماسی فرانونین»<sup>۲</sup> یاد می‌شود. در این دوره شاهد آن هستیم که تحولات در حوزه فناوری ارتباطات<sup>۳</sup> در سال ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی مفاهیمی مانند قدرت و دیپلماسی را دگرگون کرد. در این مرحله است که معنای دیپلماسی؛ متکی بر قدرت نرم است؛ به دیگر سخن؛ قدرت نرم، ابزاری برای دگرگونی دیپلماسی شناخته می‌شود و وارد عرصه دیپلماسی عمومی می‌شویم که در سال ۱۹۶۵ در ایالات متحده آمریکا مطرح شده بود. به دیگر سخن، از واژه فرهنگ در عرف و حقوق بین‌الملل<sup>۴</sup> به عنوان «قدرت نرم»<sup>۵</sup> یاد می‌شود. بسیاری از نظریه‌پردازان حقوق بین‌الملل، دیپلماسی فرهنگی<sup>۶</sup> را نمونه‌ی درخشان قدرت نرم می‌دانند که به کشورها امکان و توان نفوذ در طرف مقابل از طریق عناصری چون فرهنگ، ارزش‌ها و ایده‌ها را می‌دهد. در همین راستا پیشبرد سیاست خارجی در جهان معاصر بیش از پیش به انگاره‌سازی‌ها و تصویرسازی‌ها وابسته شده و سیاست خارجی و تأمین اهداف و منافع ملی تا اندازه زیادی به میزان داشتن منابع و ابزارهای قدرت نرم وابسته شده است (Schneider, 2006:2).

ایران با نگاه به پیشینه‌ی تمدنی، تاریخی، فرهنگی و مذهبی، از منابع قدرت نرم ارزشمند و بالایی برخوردار است. از یک سو، گنجایش و ظرفیت بومی و ایرانی توانای آن؛ هم‌چون دانشمندان نوآور در زمینه‌های مختلف، صلح‌اندیشی مردمان آن در طول تاریخ پراعتبارشان، یکتاپرستی همیشگی ایرانیان، توان راهبردی جذب و تحلیل سایر فرهنگ‌های از بیرون آمده در خودش، آثار معماری و ساختمانی پیشرو، زیرساخت‌های تمدن‌ساز در بخش‌های مختلف و فراگیر بودن آن و مواردی از این دست که در این گفتار نمی‌گنجد، همگی نشان‌گر پیشرو و باهوش بودن ایرانیان با نگاه به میراث تابناک و سنت‌های نژاده آنان و دید کلان آنان در اثرگذاری راهبردی بر ملل منطقه و جهان بوده است. از سوی دیگر، انقلاب اسلامی و به‌دنبال آن تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران، به دلیل ماهیت اسلامی، فرهنگی، ایدئولوژیکی و جهان‌شمولی آن تأثیرات و آثار متعددی از قبیل بی‌اعتباری نظام دوقطبی حاکم بر جهان، ارائه الگوی مردم‌سالاری دینی، احیای تفکر اسلامی، ایجاد فرهنگ و تفکر ظلم‌ستیزی و نفی سلطه‌طلبی در جهان را بر نظام روابط بین‌الملل در پی داشته است.

در این نوشتار، برآنیم تا مؤلفه‌ها و عناصر کلیدی حقوقی دیپلماسی فرهنگی را با نگاه مبنایی به نظام حقوقی ایران و روی‌کرد حقوق بین‌الملل مورد کنکاش و تحلیل قرار داده و ابعاد قانونی این

1. World War II.

2. Ultra-Modern Diplomacy.

3. Information Technology(IT).

4. International Law.

5. Soft Power.

6. Cultural Diplomacy.

مفهوم را بازشناسیم. از این‌رو؛ عنصر قانونی دیپلماسی فرهنگی در سه بخش حکم‌رانی، سیاست خارجی و حقوق فرهنگی بررسی می‌گردد.

## ۲. مفهوم‌شناسی

### ۲-۱. دیپلماسی

واژه‌ی دیپلماسی در بخش‌های گوناگون حقوق بین‌الملل و علوم سیاسی، معانی گوناگونی دارد. برخی از نویسندگان، آن را دستگاه اداره امور خارجی، علم سیاست، قواعد روابط بین دولت‌ها، فن ارتباط با دیگر کشورها، مذاکره سیاسی و تعاریف دیگری که برمی‌شمرند، می‌دانند (آلادپوش و توتونچیان، ۱۳۷۲: ۴). از منظر سیاست جهانی، دیپلماسی به معنای فرآیند ارتباط بین بازیگران بین‌المللی است که قصد دارند از طریق مذاکره، تعارض را بدون جنگ حل و فصل نمایند. در چشم‌انداز خرد، دیپلماسی را می‌توان ابزاری سیاسی تلقی کرد که بازیگران بین‌الملل از آن برای اجرای سیاست خارجی استفاده می‌کنند تا بتوانند به اهداف سیاسی خود برسند (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۷۱۶-۷۱۳). از این رو، اگر دیپلماسی را فن مدیریت تعامل با جهان خارج به وسیله دولت‌ها بدانیم که دارای سه بخش اساسی سیاست، اقتصاد و امنیت می‌باشد، باید رکن چهارم مهمی را با عنوان بخش فرهنگ و مؤلفه‌های فرهنگی نیز بدان بیفزاییم که سیاست خارجی را تکمیل نماید و رکن بنیانی دارد (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۶: ۱۱). در دیدگاه برخی دیگر از نویسندگان؛ دیپلماسی، تدوین و اجرای سیاست خارجی را در همه سطوح بر عهده دارد و مغز متفکر قدرت ملی است. دیپلماسی، وظیفه وزن‌دهی و هماهنگ‌سازی بین دیگر عوامل تعیین‌کننده قدرت ملی مانند جغرافیا، جمعیت و سرزمین و اقتصاد و غیره را بر عهده دارد (مورگنتا، ۱۳۸۴: ۲۴۷-۲۴۶).

### ۲-۲. دیپلماسی عمومی<sup>۱</sup>

دیپلماسی عمومی، به معنای کاربرد ابزارهای بین فرهنگی و ارتباطات بین‌المللی در سیاست خارجی است و به گونه‌ای فراگیر شامل دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ای می‌شود. دیپلماسی عمومی، در میان بقیه ابزارهای سیاست خارجی؛ بیش‌ترین تأثیرپذیری را از مؤلفه‌های هویت ملی دارد (آشنا، ۱۳۸۴: ۶). ظهور و گسترش تکنولوژی ارتباطات، اهمیت یافتن افکار عمومی، جای‌گزین شدن قدرت نرم به جای قدرت سخت و تحولات دیپلماسی از سنتی به نوین، موجب تولد دیدگاه جدید دیپلماسی عمومی برای تحقق اهداف دولت‌ها در خارج شد (بشیر، ۱۳۹۵: ۱۱۳).

1. Public Democracy

دیپلماسی عمومی، عبارت است از طراحی و اجرای برنامه‌های راهبردی با حمایت و هدایت دولت‌ها و با عاملیت مشترک بخش‌های دولتی و غیردولتی به منظور درک و شناخت، اطلاع‌رسانی و اعمال نفوذ بر توده‌های مردم سایر کشورها تا آن‌ها، دولت‌های متبوع خود را برای پشتیبانی از اهداف و منافع ملی کشور عامل ترغیب کنند (هادیان و سعیدی، ۱۳۹۲: ۳۵).

### ۲-۳. امتیاز دیپلماسی فرهنگی

استفاده از ابزار دیپلماسی فرهنگی نسبت به سایر عوامل در روابط بین‌الملل و تعامل بین‌المللی دارای مزایای شگرف بسیاری است که دربردارنده لحن ملایم، تأثیر بیش‌تر، تعمیق روابط مشترک، پایداری ارتباطات، زبان مردمی و زمینه‌ساز هم‌افزایی و هم‌گنی بهینه پیوندها است. نه تنها تهدید نیست؛ بلکه می‌تواند چالش‌ها را تبدیل به فرصت کند. دیپلماسی فرهنگی، نسبت به دیگر ابزارهای دیپلماسی با مقاومت کمتری مواجه می‌شود و راه را برای اجرای سیاست‌هایی که دولت و ملت هدف با اعمال آن مخالف هستند، باز می‌کند. به بیان دیگر، دیپلماسی فرهنگی از خشونت خالی است، بلکه همواره با تعامل و همکاری همراه است.

درواقع؛ دیپلماسی فرهنگی به دلیل ناملموس بودنش، با تغییر ارزش‌ها و ارائه ایده‌ها و ذائقه‌های مخاطبان، بر دل‌های آن‌ها تأثیر می‌گذارد، به گونه‌ای که خواسته‌ها و منافع کشور مبدأ را خواسته‌های خود می‌شمارند (سازمند و براتی، ۱۳۹۳: ۵۰ و ۵۱). به دیگر سخن؛ این امتیاز، بیان‌گر همان جامعه‌پذیری است که با درونی شدن باورها و اعتقادات ارائه‌شده، شخص، به طور اخلاقی، ارادی و خودخواسته، خویش را مقید و متعهد به اجرای آن می‌کند و آن باور درونی‌شده به عادت روزانه او تبدیل می‌گردد.

فرهنگ و به تبع آن دیپلماسی فرهنگی، زمینه عمق‌بخشی به مشترکات و ساختن روابط پایدار و همیشگی را میان ملت‌های مختلف؛ بیش‌تر می‌کند، نه تنها همکاری انجام می‌شود، بلکه زمینه را برای همکاری‌های بیش‌تر در آینده نیز فراهم می‌سازد. دیپلماسی فرهنگی با هزینه کم‌تر مورد توجه جوامع بومی، سازمان‌های مردم‌نهاد، اقوام، نهادهای مدنی و به طور کل اشخاص خصوصی و غیردولتی قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، قلمرو فراگیری دیپلماسی فرهنگی، بیشتر و گسترده‌تر است و روابط و تعامل با بن‌بست مواجه نخواهد شد.

### ۲-۴. تعریف دیپلماسی فرهنگی

جهان کنونی عرصه هم‌گونی و تفاهم تدریجی فرهنگی و نیز عرصه تنوع و پویایی فرهنگی است. فرهنگ، واقعیتی انکارناپذیر است که در جوامع مختلف به شکل‌های گوناگون و در سطح

جهانی به صورت هر چه برجسته‌تر جلوه‌گر می‌شود. از سوی دیگر، بسیاری از جوامع با مقاومت در برابر این نوع جهانی شدن فرهنگ در راستای بازسازی فرهنگی خود می‌کوشند و بدین طریق با تکیه بر تاریخ و فرهنگ خود هویت خود را حفظ می‌کنند. البته در این فرآیند؛ تأکید بر اصالت فرهنگی است. در این میان، دیپلماسی فرهنگی به کشورها اجازه می‌دهد که با استناد به عناصر کلیدی و نفوذ دولت‌های خود به طور مستقیم با مخاطبان خارجی، به انضمام مردم معمولی و رهبران افکار، در ارتباط باشند. برابر دیدگاه نظریه‌پردازان دیپلماسی فرهنگی بریتانیا، این رویکرد می‌تواند به نتایج متنوع و نامحدودی برسد. دیپلماسی فرهنگی علاوه بر این که موجب آشنایی مردم با کشور دیگری می‌شود، با ساختن شناخت مثبت نسبت به آن، قابلیت خرید محصولات انگلیسی زبان، فهم، تصدیق و رعایت آداب و رسوم و سیاست‌ها به زبان انگلیسی را نیز بالا می‌برد (Leonard and Stead, 2002:9-10).

در ادبیات روابط بین‌الملل، تعاریف گوناگونی از دیپلماسی فرهنگی آمده است. میلتن کامینگز، دیپلماسی فرهنگی را مبادله ایده‌ها، اطلاعات، هنر، سبک زندگی، نظام ارزشی، سنت‌ها و اعتقادات برای دسترسی به فهم مشترک و تقویت تفاهم متقابل میان ملت‌ها و کشورها می‌داند (Kielanowicz, 2009:8).

دیپلماسی فرهنگی به عنوان بخشی از دیپلماسی عمومی است که به برقراری، توسعه و پی‌گیری روابط با کشورهای خارجی از طریق فرهنگ، هنر و آموزش پرداخته و تلاش می‌کند با استفاده از فرهنگ و عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی بر افکار عمومی دیگر کشورها اثر گذاشته و موجب افزایش اعتبار و گسترش نفوذ در عرصه‌ی بین‌المللی گردد. در تعریفی، دیپلماسی فرهنگی را هنر کاربست و اجرای سیاست‌های فرهنگی توسط نمایندگان رسمی کشورها می‌داند. در این تعبیررت و هنر استفاده از توزیع بهینه‌ی بودجه تشخیص داده شده برای برنامه‌های فرهنگی توسط دیپلمات‌ها، دیپلماسی فرهنگی نامیده می‌شود (حقیقی، ۱۳۸۶:۶۶).

از نگاه رهبر معظم انقلاب، دیپلماسی فرهنگی کشور باید ضمن معرفی پیشرفت‌های چشمگیر علمی و معرفی ادب و هنر کشور، جلوه‌های مردم‌سالاری کشور و اجتماعات عظیم مردمی، جلوه‌های دینی و حضور معنوی و عاشقانه قشرهای مختلف مردم به ویژه جوانان در مراسم مذهبی اعم از جلسات قرآن، دعا، و عزاداری‌ها، به عنوان یک رویداد بزرگ در کشور با هنرمندی و مستندسازی، به مردم دنیا نشان داده شود. ایران امروز و عمق فرهنگ و تمدن کشور برای جهانیان معرفی شود (بیانات رهبر انقلاب در دیدار با نمایندگان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، روز ۱۳۸۸/۱۲/۱۱).

در دیدگاه نگارنده این نوشتار، نخستین الزام دیپلماسی فرهنگی ایران، تدوین و تحقق سند ملی توسعه روابط فرهنگی جمهوری اسلامی است. چون بدون یک سند ملی راهبردی روابط فرهنگی، نمی‌توان دیپلماسی فرهنگی مؤثر و موفقی را تدارک دید و محقق ساخت. زیرا بایستی همه زوایای

حقوقی و فرصت‌ها و تهدیدها و راه‌کارهای دقیق و علمی حقوقی در این دست اسناد؛ دیده و تحلیل گردد تا در نهایت بتوان با تهیه و اجرای یک متن حقوقی قوی به بسط تأثیرات فرهنگی ایران در پهنه روابط بین‌الملل پرداخت. از این‌رو در برنامه پنجم توسعه، لزوم و ضرورت تدوین چنین سندی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. در این سند باید مبانی، ارزش‌ها، اصول، راهبردها، رسالت و اهداف دیپلماسی فرهنگی کشور به صورت دقیق و شفاف تعریف و تبیین شود (قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵)

در راستای تدوین و اجرای همین اسناد راهبردی است که می‌توان به برنامه‌ریزی راهبردی و بلندمدت فرهنگی در عرصه سیاست خارجی دست یازید. فرهنگ و ارزش‌های معنوی باید در روح و روان و اذهان مخاطبان رسوخ و نفوذ کند. از این‌رو؛ هدایت و اعمال یک دیپلماسی فرهنگی پیروز و پیشرو، نیازمند اتخاذ سیاست‌ها و اقدامات بلندمدت و پایدار فرهنگی است. زیرا دیپلماسی فرهنگی، اهداف بلندمدت و راهبردی کشور را برآورده می‌سازد و دیربازده است. بنابراین نباید انتظار داشت که همه اهداف دیپلماسی فرهنگی در کوتاه‌مدت برآورده شود؛ به طوری که با برآورده نشدن اهداف کوتاه‌مدت، از پی‌گیری دیپلماسی فرهنگی ناامید و منفعل شد.

## ۲-۵. قدرت نرم

دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان جزئی از دیپلماسی عمومی بسیار ناآشکارتر از بعد ارتباطی دیپلماسی عمومی، بر تأمین منافع یک ملت اثر می‌گذارد (میلسن، ۱۳۸۸: ۵۹). اگر گفته شود که تأمین منافع ملی یک کشور از طریق ابزار و امکانات فرهنگی محقق می‌شود و این عبارت تعریفی برای دیپلماسی عمومی قلمداد شود، در آن صورت می‌توان گفت دیپلماسی فرهنگی بخشی از سازوکار اعمال قدرت نرم می‌باشد که به کشورها این امکان و توان را می‌دهد که در طرف مقابل نفوذ کنند و او را از طریق عناصری چون فرهنگ، ارزش و ایده‌ها ترغیب به همکاری کنند. قدرت نرم، وسیله‌ای است برای جذب و ترغیب مخاطبان برای آن‌که کاری را انجام دهند که ما می‌خواهیم و دیپلماسی فرهنگی، ابزار این اعمال قدرت می‌باشد. نفوذ و اثرگذاری، دو هدف عمده دیپلماسی فرهنگی است که تلاش می‌کند با آگاه‌سازی و افزایش درک متقابل، بنیان‌های اعتماد را در مردم دیگر کشورها ایجاد کند و به کمک آن‌ها توافقات سیاسی، اقتصادی و نظامی میان دولت‌ها را به نتیجه برساند (Harrison, 2005: 16).

واژه قدرت نرم را نخستین بار نظریه‌پرداز آمریکایی امور امنیت بین‌الملل، جوزف نای<sup>۱</sup> مطرح نمود. قدرت نرم، به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌ها اطلاق می‌شود که از طریق به کارگیری آن‌ها، به صورت غیرمستقیم بر رفتار دیگران اثر گذاشته می‌شود. وی قدرت را توانایی تأثیر گذاشتن بر

<sup>۱</sup>. Nye, Joseph S.

دیگران تعریف می‌کند به نحوی که خواسته شما به خواسته‌های آن‌ها تبدیل شود. جوزف نای، قدرت را به دو دسته تقسیم می‌کند: قدرت سخت<sup>۱</sup> و قدرت نرم؛ قدرت نرم را در مقابل قدرت سخت قرار می‌دهد. قدرت سخت را شامل دو دسته نیروها می‌داند: قدرت تهدید و قدرت تشویق و پاداش که استفاده از گزینه‌های نظامی و گزینه‌های اقتصادی را دربرمی‌گیرد. نیز معتقد است که همیشه لازم نیست به واسطه تهدید(چماق) و یا پاداش(هویج)، افراد را به کاری وادار کنیم؛ قدرت نرم یعنی توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه؛ نه از طریق اجبار و تطمیع (نای، ۱۳۸۹: ۲۴).

شناسایی ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و مقدرات فرهنگی ایران در چارچوب قدرت فرهنگی و نرم است. این الزام، خود دربرگیرنده الزامات دیگری از این قرار است: شناسایی عناصر قدرت فرهنگی و نرم ایران؛ شناخت و درک مزیت‌های نسبی هر یک از این عناصر فرهنگی؛ تناسب و تعادل بین اهداف و ابزارها با توجه به مزیت‌های نسبی فرهنگی کشور؛ شناسایی و به‌کارگیری مؤلفه‌ها و عناصر قدرت ملی ایران که کاربرد و کارکرد غیرمستقیم و با واسطه فرهنگی دارد؛ اولویت‌بندی استفاده و به‌کارگیری هر یک از این عناصر، ابزارها و مزیت‌های نسبی فرهنگی کشور در دیپلماسی فرهنگی.

قدرت نرم، فرآورده و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه‌ی چهره‌ی موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و جهانی، قدرت تأثیرگذاری غیرمستقیم همراه با رضایت بر دیگران و غیره است. به‌گونه‌ای که امروزه، این بازخوانی از قدرت در مقابل قدرت سخت، قدرت نظامی و تسلیحاتی که به نحوی همراه با اجبار و خشونت‌های فیزیکی است، به کار می‌رود. بنابراین، قدرت نرم، توانایی شکل‌دهی به اولویت‌های دیگران بوده و جنس آن از نوع قانع‌شدگی و هسته‌ی اصلی آن جذابیت است، در حالی که چهره یزمتخت و سخت قدرت از نوع وادار و اجبار کردن است. در دیدگاه نای، قدرت نرم دارای سه منبع کلی «فرهنگ»، «ارزش‌های سیاسی» و «سیاست داخلی و خارجی» است (Nye, 2004: 11-15).

پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### ۳. دیپلماسی فرهنگی، هنر قدرت نرم

در حقیقت؛ عصر اطلاعات به سمتی می‌رود که دیپلماسی سنتی بر پایه واقع‌گرایی سیاسی و تکیه بر قدرت سخت، در حال جایگزینی با دیپلماسی نوین و برپایه سیاست اندیشه‌گرا است که در آن به قدرت نرم؛ برتری داده می‌شود و در آن، روابط دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی با خواص و دولت‌ها به روابط با عموم مردم در گستره‌ای جهانی تغییر می‌کند. قدرت نرم، بخشی از فرآیند قدرت‌سازی برای سودجویی و رسیدن به منافع خود در پهنه بین‌الملل است. در اندیشه دیگر اندیشمندان غربی هم‌چون نای، برای بهره‌برداری از موقعیت‌ها باید به پیوند استوار، قدرت سخت و قدرت نرم که در بخش پیشین سخن آن رفت، توجه کرد. در این دیدگاه، گرچه سیاست خارجی

1. Hard Power



منبع قدرت نرم نیست، اما ابزاری مطمئن و کارا در اجرای سیاست‌ها و هماهنگ سازی بین ارزش‌ها و فرهنگ خود در ساختن روابط با دیگر جوامع می‌باشد. گسترش عناصر و ارکان زبان یک کشور و هنجارها و اصول و آداب آن در دیگر کشورها، قدرت کشور مبدأ را افزایش می‌دهد. همانند آنچه که کشورهای استعمارگر مانند بریتانیا، اسپانیا و پرتغال در هندوستان، آمریکای جنوبی و استرالیا انجام دادند (Nye, The changing nature of American power 1991, 97).

یکی از الزامات دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان یک قدرت نرم و پایه‌ای مؤثر، دیپلماسی کنش‌مند و کنش‌گر ناظر به کارگزاران و کارگزاری‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است که خود شامل موارد متعددی می‌شود. یکم؛ دیپلماسی فرهنگی کارآمد مستلزم و نیازمند دیپلمات‌های فرهنگی حرفه‌ای است که این دیپلمات‌ها باید آموزش حرفه‌ای و تخصصی دیده باشند و فرهنگ ایران و جامعه مقصد را به خوبی بشناسند. دوم؛ کارگزاران فرهنگی باید به ماهیت و اهمیت قدرت فرهنگی و نرم انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی باور و ایمان داشته باشند. سوم؛ کارگزاران و دیپلمات‌های فرهنگی باید به نقش و کارکرد دیپلماسی فرهنگی برخاسته از منابع قدرت فرهنگی و نرم کشور مؤمن و متعهد باشند. چهارم؛ دیپلماسی فرهنگی کارآمد، مستلزم هماهنگی، همکاری و هم‌افزایی کارگزاری‌های مختلف فرهنگی در چارچوب یک ساختار واحد در سطح ملی است.

بنابر آن چه گفته شد، دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان وسیله کارای قدرت نرم، در همین راستا مورد توجه می‌تواند قرار گیرد. دیپلماسی فرهنگی زمینه‌ی تبادل اطلاعات و خرده فرهنگ‌ها میان دو کشور را فراهم می‌آورد. پس؛ مشترکات، تقویت شده و طرفین به مفاهمه کارا و درک مناسبی از تفاوت‌ها خواهند رسید.

به‌عنوان نمونه، به وجود آوردن فضای دیپلماسی فرهنگی میان ایران و تاجیکستان از نقطه‌نظر زبان و میراث پارسی وابسته و هم‌چنین از زاویه ژئوپلیتیکی منطقه آسیای مرکزی، یکی از بهترین موقعیت‌های حقوقی و سرزمینی برای هردو کشور به ویژه ایران است. نمونه دیگر تقویت مشترکات فرهنگی و مذهبی میان ایران و آذربایجان از منظر منطقه‌ای برای ایران یکی از نقاط قوت برای تحکیم حضور ایران در قفقاز جنوبی است. هم‌چنین شکوفاتر کردن پیوندهای تمدنی، قومی و مذهبی میان ایران و عراق از بهترین نمونه‌های دیپلماسی فرهنگی است که باید برای آن استوارتر گام برداشت. بنابراین حضور پر رنگ‌تر در منطقه غرب آسیا و قفقاز برای ایران با نگاه به وجود تحریم‌های زیاد و حضور مزاحمان و بیگانگان در منطقه باید پیوسته و همیشگی در راستای یکپارچگی و صلح پایدار باشد. چون حضور منطقه‌ای قوی و مقاوم برای هر کشور، باید همواره نخستین هدف و عمل، یک اولویت بنیادین و یک خواسته اساسی باشد؛ تا بیگانگان و کشورهای غیرمنطقه‌ای، این مورد را در محاسبات حقوقی و سیاسی خود بگنجانند و بر اساس آن؛ منطقی رفتار نمایند.

#### ۴. شاخصه اینترنت در دیپلماسی فرهنگی

هر چند دیپلماسی فرهنگی قدرت نرم در درک متقابل فرهنگی و اعتمادسازی در پیشبرد روابط و مناسبات میان کشورها و تأمین منافع ملی است؛ ولی تغییر و تحولات جدید در عرصه جهانی شدن، امنیت بین‌الملل، منازعات و درگیری‌های مذهبی و غیره موجب گردیده، ارزش و اهمیت دیپلماسی فرهنگی بر پایه گفتگو، تفاهم و تعامل در چارچوب روابط بین‌الملل نقش والایی بیابد. تنوع فرهنگی نیز در افزایش برقراری ارتباط صمیمی و درک متقابل فرهنگ‌ها به‌ویژه در سطوح اجتماعی مردمی یاری می‌نماید. در شرایط کنونی، توان دستیابی به فناوری ارتباطات و حجم گسترده اطلاعات و انتقال آن از جمله شبکه‌های اجتماعی اینترنتی در توسعه و رشد فرآورده‌های فرهنگی افزایش یافته و فراتر از ارتباطات دولتی و رسمی گردیده است. از این رو دیپلماسی فرهنگی در روند خود دچار دگرگونی شده است. چون بدون مرز بودن در عرصه زمان و مکان و نزدیک شدن فرهنگ ملت‌ها؛ امکانات، فرصت‌ها و ظرفیت‌های نوینی را برای سطح روابط کشورها و ملت‌ها فراهم آورده است و بازیگران و کنش‌گران سیاسی نیز از این ابزار در سیاست خارجی خویش بهره می‌جویند. بنابراین دیپلماسی فرهنگی با برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های فرهنگی مناسب و کارآمد خواهد توانست به ساخت فضای تعامل و رشد تفاهم ملت‌ها و تقویت پیوندهای منطقه‌ای و بین‌المللی و گفتگوی بیش‌تر فرهنگ‌ها را فراهم آورد. در این مورد باید تأکید نمود که مقررات و قوانین پایداری باید تصویب و به موقع اجرا گذاشت تا علاوه بر احترام به آزادی‌های عمومی و فردی مردم در بیان آراء و به اشتراک گذاشتن باورهایشان که به آن‌ها خدشه‌ای وارد نیاید، باید امنیت سایبری و ملی را نیز پاسبانی و نگاه‌داری نمود تا به هرج و مرج، آشوب و چندپارگی کشور منتهی نشده و به امنیت ملی نیز که در رأس امور است، آسیب وارد نگردد. به دیگر سخن؛ برابر با قانون اساسی، هم باید به حوزه حریم شخصی<sup>۱</sup> اشخاص احترام نهاد و اطلاعات شخصی آن‌ها را محترم شمرد و هم امنیت داخلی و آرامش کشور را هم حفاظت کرد تا بتوان کشور را در راستای اهدافش اداره و به پیش برد. یکی از الزامات سایبری که کنترل‌کنندگان برنامه‌های پیام‌رسان، اهمیت حیاتی آن را برای امنیت ملی به‌عنوان یک تکلیف اساسی متوجه شدند، سیاست کنترل داده‌های فرستاده شده به وسیله کاربران در فضای مجازی است. به‌عنوان نمونه، باید به این مورد شایان توجه و تازه رخ داده؛ اشاره نمود که در ژانویه ۲۰۲۱ میلادی، پس از حمله طرفداران آشوب‌طلب و بی‌سواد ترامپ، رییس‌جمهور پیشین آمریکا، به ساختمان کنگره و سنای آمریکا در کیتول‌هیل<sup>۲</sup> در واشینگتون - دی.سی.<sup>۳</sup>، کاری که جک دورسی<sup>۴</sup>، مدیرعامل رسانه اجتماعی توییتر<sup>۵</sup>، در هفته‌های پایانی دولت

1. Privacy.

2. Capitol Hill.

3. Washington D.C (District of Columbia).

4. Jack Dorsey, CEO of Twitter.

5. Twitter.

دونالد ترامپ<sup>۱</sup> برای حذف دائمی حساب کاربری شخصی او نمود تا به امنیت ملی آمریکا بیش‌تر آسیب وارد نگردد. بنابراین کنترل فضای مجازی به دلیل انتشار مطالب جعلی و دروغین در همه جای جهان مورد توجه قرار دارد.

## ۵. رکن حقوقی دیپلماسی فرهنگی

دیپلماسی فرهنگی نیز به‌عنوان یک پاره اصلی در سیاست خارجی دولت ایران به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ خورشیدی، از همان روزهای نخستین به‌عنوان یک منطق فکری و گفتمان وحدت‌بخش مورد توجه بوده و در اسناد قانونی و بالادستی و به‌طور کلی در نظام حقوقی و فرهنگی کاربرد داشته و دارد. رکن حقوقی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سه بخش اصلی سیاست عمومی، حکمرانی، حقوق فرهنگی دسته‌بندی می‌گردد که باید در آن تدقیق و نگاه پیوسته گردد.

### ۵-۱. سیاست عمومی

سیاست عمومی به دو بخش حقوق بین‌الملل و حقوق ملی تقسیم می‌شود. بدان معناست که ساسیت عمومی ایران باید در بخش حقوق بین‌الملل و در سطح جهانی مورد بررسی قرار گیرد که در سطح گیتی چه اموری باید انجام شود یا پیشتر صورت گرفته است. در بخش ملی نیز سیاست عمومی به مقررات داخلی در ارتباط با دیپلماسی فرهنگی داخلی و مقوله فرهنگ می‌پردازد.

### ۵-۱-۱. سطح بین‌الملل

در حوزه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، دولت ایران به نمایندگی از حکومت جمهوری اسلامی ایران تکالیف، تعهدات و اقدامات حقوقی و فرهنگی خود را به‌عنوان یک شخص حقوقی در شئون گوناگون انجام می‌دهد. به دیگر سخن وزارت امور خارجه ایران از طرق گوناگون همانند انجام دائر کردن سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها، ادای وظایف کنسولی و غیره دولت ایران را نمایندگی می‌کند. در سفارتخانه‌های ایران در جهان وظایف فرهنگی را شخص سفیر و تحت نظارت وی، رایزن فرهنگی ادای وظیفه می‌کند.

یکی دیگر از وظایف دولت در دیپلماسی فرهنگی، عضویت ایران در سازمان‌های بین‌المللی فرهنگی هم‌چون یونسکو، آیسسکو، اکو و غیره است که با عضویت در این سازمان‌های بین‌المللی،

<sup>۱</sup>. Donald J Trump.

شرایط برای ورود ایران برای تعاملات فرهنگی دوسویه بین ملل گوناگون و مردم ایران آغاز می‌شود.

از دیگر رسالت‌های حقوقی دیپلماسی فرهنگی دولت، عضویت ایران در پیمان‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی گوناگون است. کارکرد این پیمان‌ها در راستای ایجاد فضای مشترک و آرام برای گفتگو و بهره‌مندی از مواهب فرهنگی کشورهای عضو است. به دیگر سخن؛ پیمان‌های جهانی شیوه‌ای مرسوم برای روابط دوستانه و مسالمت‌آمیز در حقوق بین‌الملل تعریف می‌شود تا به بهبود و تقویت عمق نفوذ مثبت و صلح جویانه منجر گردد. برای نمونه، هم‌اکنون؛ ایران عضو کنوانسیون میراث جهانی، کنوانسیون میراث فرهنگی و طبیعی، پیمان حفظ اموال فرهنگی در جنگ می‌باشد. مثلاً ایران با ۱۹ سایت در روز ۲۶ فوریه ۱۹۷۵ میلادی عضو کنوانسیون میراث فرهنگی و طبیعی شده است که با امضای این کنوانسیون ملزم به حفاظت از میراث جهانی شناخته شده فرهنگی و طبیعی شد.

یکی از بخش‌های غنی و پربهره که دولت ایران با نوشتن قانون به‌روز و اجرای آن، سرمایه‌گذاری، تبلیغات کافی و مناسب می‌تواند راه را برای دیپلماسی فرهنگی و اثرگذاری عالی، هموار کند، صنعت گردشگری است. با توجه به پشتوانه هویتی فرهنگ و هنر ایران که دارای قدمتی چند هزارساله است و همواره آثار مادی و معنوی آن، کرنش و احترام مخاطبین را برانگیخته است، صنعت گردشگری به علت کارکردهای فرهنگی و اجتماعی و توسعه آن در برقراری فرهنگ صلح و دوستی از ابزارهای دیپلماسی فرهنگی به‌شمار می‌آید. زیرا دیدار و بازدید و تعامل با مردم کشورهای ارتباط با فرهنگ‌ها و سبک‌های زندگی در ایجاد درک متقابل، احساس نزدیکی به یکدیگر، گسترش همکاری‌های بین‌المللی و عاملی برای دوستی و تفاهم بین انسان‌ها و ساختن صلح عمل می‌کند. علاوه بر این، گردشگری در بهبود وضعیت اقتصادی، کاهش نرخ بیکاری و افزایش درآمد سرانه مؤثر واقع شده و زمینه‌های توسعه پایدار را فراهم می‌سازد.

## ۵-۱-۲. سطح ملی

در عرصه داخلی، دولت با تصویب و اجرای قوانین و مقررات لازم، حمایت‌های مالیاتی و تسهیلاتی و ایجاد سازوکارهای درخور اهالی فرهنگ و هنر و ایجاد تأمین اجتماعی پاسخ‌گو در راه دیپلماسی فرهنگی تراز کشور گام بردارد. دولت و مجلس شورای اسلامی با تصویب قوانین و وضع اجرای مقررات درست و منطقی که همراه با نیازهای مردم باشد می‌تواند از ابزار دیپلماسی فرهنگی برای اهداف بلند خود بهترین استفاده را ببرد. یکی از این اقدامات تصویب و اجرای مقررات و قوانین مربوط به صدور کالاهای فرهنگی و هنری می‌باشد.

معافیت کالا و خدمات فرهنگی از اقدامات لازم برای قوت‌بخشی به نهاد فرهنگ در کشور است که با نگارش قوانین کاربردی در راستای کاهش دغدغه‌های اهالی فرهنگ و هر شخصی که بتواند فرهنگ والای ایرانی را نمایندگی کند.

جوایز بین‌المللی فرهنگی، یکی از بهترین جلوه‌های فرهنگی هر کشور است که می‌تواند با برگزاری همایش‌ها و جشنواره‌ها؛ حول موضوعات فرهنگ و هنر ایران و دادن جوایز به برگزیدگان، زمینه اثرگذاری و تعاملات مثمرتر را مهیا کند. زیرا علاوه بر دادن جوایز و تقدیرهای رسمی، برگزاری نمایشگاه‌های فرهنگی، برپا کردن کارگاه‌های ویژه بومی هر قوم و ملت، میزگردهای حاشیه‌ای، نشست‌های علمی و سایر فعالیت‌ها را نیز در پی دارد که زمینه‌ای برای کنش‌گری و تأثیر عمیق و سازنده دوسویه و چندسویه دربر خواهد داشت.

حقوق مالکیت فکری، یکی از بخش‌های نظام حقوقی است که باید در سطح عالی و کلان بدان نگاه شده و نیاز بسیار به پشتیبانی قانونی و اجرایی دارد. شوربختانه، در کشورمان، این بخش همیشه مغفول بوده و در کلان به آن توجه اصولی نشده است. امری که در دیگر کشورها با دین مختلف همانند ژاپن مورد توجه کلان و پایه‌ای قرار گرفته و همواره باعث پیشرفت آن‌ها بوده و مورد بهت و شگفتی برای مردم ما بوده است.

مقررات حق مؤلف یا همان کپی‌رایت، در ایران کهنه و غیر قابل استناد و استفاده شده است. مقرراتی که اصلاً به روز نگردیده است و اهتمام و تلاش عالی در این حوزه احساس می‌گردد. یکی از جلوه‌های مؤثر فرهنگی، همواره نوشتن و کتابت است که مؤلفین، به عنوان سفرای فرهنگی ایران می‌توانند با حمایت قانونی، به این آرامش فکری برسند که آثارشان علاوه بر دیده شدن، از سرقت ادبی و سوءاستفاده مصون می‌ماند. ایجاد و مقاوم‌سازی امنیت فرهنگی از طریق مشاوره و نظرسنجی از اهل فرهنگ و دخیل نمودن آراء تخصصی آن‌ها در قانون‌نگاری، باعث برداشتن گام بلندی در بخش فرهنگ می‌شود. در این صورت خواهد بود که نویسنده و مولف در کمال آرامش به تولید اثر فرهنگی می‌پردازد و آثارش را در داخل منتشر خواهد نمود.

نهضت ترجمه و برگردان، یکی از مراتب موجه و جذاب دیپلماسی فرهنگی است که مسلمانان و ایرانیان در بخشی از تاریخمان بدان بسیار توجه نموده و باعث تقابل فرهنگی و انتقال دانش عظیم از یونان و غرب به ایران شد. از همین روی، باید در دولت این رویکرد همواره مورد تأکید قرار گیرد که در قوانین سالیانه بودجه و قوانین توسعه‌ای پنج ساله که به مجلس تحویل می‌گردد، بودجه کافی و پاسخگویی به این بخش اختصاص یافته و در ردیف بودجه بدان در کلان؛ نگاه شود تا از مزایای دانشی و فرهنگی دیگر کشورها بتوان به‌طور بهینه بهره برد.

عوارض گمرکی کالاها را با تصویب قوانین لازم و ابلاغ آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های ضروری در این قسمت، باید پایین آورد تا علاوه بر استفاده مالی برای صاحب کالا، تبلیغ فرهنگ ایرانی نیز گردد.

## ۵-۲. حکم‌رانی

### ۵-۲-۱. قانون اساسی

قانون اساسی و سیاست فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک سند بالادستی و کلان‌نگر به موضوع عمل به معیارهای اسلامی و دینی در کلیه حوزه‌ها از جمله فرهنگی تصریح شده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی در خصوص تشکیل امت واحده جهانی در اصل یازدهم بیان می‌کند:

«به حکم آیه ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون»، همه مسلمانان یک امتند و دولت جمهوری اسلامی موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد».

هم‌چنین در فصل مربوط به سیاست خارجی؛ با استناد به قاعده فقهی نفی سبیل، مذکور در اصول ۶۲۵ و ۶۲۹ قانون اساسی؛ ضمن تشریح نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و دفاع از حقوق همه مسلمانان و همچنین ممنوعیت هرگونه قراردادی که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور شود به موضوع حمایت از مبارزات حق طلبانه مستضعفین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی در اصل ۶۲۴ پرداخته شده است.

روح حاکم بر قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی، مداخله و حضور همه جانبه دولت در تحولات فرهنگی را می‌خواهد. ولی؛ آنچه مسلم است، سیاست‌های ملموس در بخش فرهنگ از سال ۱۳۶۹ به بعد با تدوین و تصویب برنامه اول توسعه، اتخاذ شده است.

### ۵-۲-۲. شورای عالی انقلاب فرهنگی و سیاست فرهنگی بین‌المللی جمهوری

#### اسلامی ایران

شورای عالی انقلاب فرهنگی اصلی‌ترین نهاد در جمهوری اسلامی است که در سیاست‌گذاری فرهنگی، «کلان‌نگر» فعالیت می‌کند. نخستین متن نوشته درباره سیاست‌گذاری فرهنگی، «اصول سیاست فرهنگی کشور» است که با اصلاحاتی در روز ۱۳۷۱/۵/۲۰ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید.

این سند شامل مقدمه، اهداف (الف- اهداف فرهنگی جمهوری اسلامی، ب- اهداف سیاست فرهنگی، ج- اصول سیاست فرهنگی و د- منبهاات در سیاست فرهنگی)، اولویت‌ها و سیاست‌های کلی (فرهنگ و هنر، امکانات، دانشگاه، تاریخ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، زیارت و سیاحت، روابط خارجی و سازمان‌ها و مراکز نظارت، اجرا و هماهنگی) می‌باشد. سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی و موضوع روابط فرهنگی بین‌المللی در سند رسمی اصول سیاست فرهنگی کشور این‌گونه در بخش‌های مختلف آن بازتاب یافته است:

مواد یک و شش اهداف فرهنگی جمهوری اسلامی:

\* رشد و تعالی فرهنگ اسلامی انسانی و بسط پیام و فرهنگ انقلاب اسلامی در جامعه و جهان

\* درک مقتضیات و تحولات زمان و نقد و تنقیح دستاوردهای فرهنگی جوامع بشری و استفاده از نتایج قابل انطباق با اصول و ارزش‌های اسلامی.

ماده یکم، اهداف سیاست فرهنگی:

≠ تعیین و تدوین اصول راهنما و اولویتهای لازم‌الرعایه در حرکت فرهنگی کشور و رسمیت دادن به آن، با الهام از آرمان‌ها و اعتقادات، با توجه به ظرفیت‌ها و واقعیات و با بهره‌گیری از تجربیات داخلی و جهانی و امکانات و ابزارهای مختلف و مناسب. مواد دو، سه، چهار و هفت: اصول سیاست فرهنگی (راهنمای مسئولان و مدیران و برنامه‌ریزان و کارگزاران فعالیت‌های فرهنگی)

≠ شناخت جامع فرهنگ و مدنیت اسلام و ایران و ترویج اخلاق و معارف اسلامی و معرفی شخصیت‌ها و عظمت‌های تاریخ اسلام و ایران.

≠ ارتباط فعال با کشورها و ملت‌ها و تحکیم پیوند مودت و تقویت همبستگی با مسلمانان و ملل دیگر جهان.

≠ شناخت فرهنگ و تجربه‌های بشری و استفاده از دستاوردهای علمی و فرهنگی جهانی با بهره‌گیری از کلیه روش‌ها و ابزارهای مفید و مناسب.

≠ اهتمام به امر زبان و ادبیات فارسی و تقویت و ترویج و گسترش آن.

مواد دو، بیست و نه، سی و یک، سی و نه، چهل و شش، چهل و هفت، چهل و نه، اولویت‌ها و سیاست‌های کلی:

\* اولویت دادن به در خارج کشور «ایرانیان» و «کشورها و مجامع اسلامی»،

\* توسعه و تقویت کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی در مراکز علمی و دانشکده‌های داخل و خارج از کشور و نیز تقویت فرهنگستان زبان و ادب فارسی و پاک‌سازی اماکن از واژه‌ها و اسامی بیگانه.

\* تأسیس و تقویت نمایندگی‌های مطبوعاتی و وسایل ارتباط جمعی در خارج کشور به منظور بهره‌گیری از تجربه‌ها و تحقیقات داخلی و خارجی در عرصه فعالیت‌های خبری و تبلیغی.

\* ایجاد و تحکیم ارتباط میان فرهنگستان‌های جمهوری اسلامی ایران با سایر فرهنگستان‌ها و گسترش انجمن‌های فرهنگی در ارتباط با سایر کشورها و تأسیس و تقویت مراکزی مانند رایزنی فرهنگی و مرکز تحقیقات فرهنگی بین‌الملل.

\* استفاده از مراکز علمی و فرهنگی غیررسمی و فعال در خارج با بهره‌گیری از تجارب نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در کشورهای دیگر و تأمین حضور فعال و مؤثر جمهوری اسلامی ایران در صحنه‌های فرهنگی جهان به خصوص حج و اماکن مذهبی و افزایش تولیدات فرهنگی و هنری برای خارج از کشور.

\* ارسال گروه‌ها و مواد و امکانات فرهنگی و هنری برای نقاط مختلف جهان و تجهیز نمایندگی‌های فرهنگی ایران در جهت گسترش و افزایش حضور فرهنگی، هنری، تبلیغی، خبری و مطبوعاتی جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین‌المللی.

### ۵-۲-۳. سند چشم‌انداز

چشم‌انداز، جهت‌گیری خرد و کلان کشور را در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و دفاعی در بر می‌گیرد و نه فقط به پیش‌بینی آینده، بلکه به آفرینش آینده‌ای مطلوب و مناسب می‌نگرد. در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ خورشیدی، اهداف فرهنگی شامل هویت اسلامی و انقلابی و الهام‌بخش بودن در دنیای اسلام همراه با تعامل سازنده و مؤثر با جهان براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت و ناظر بر ویژگی‌های فرهنگی ایران و شهروندان ایرانی ۱۴۰۴ اعلام شده است. چشم‌انداز ۱۴۰۴ در واقع از بُعد فرهنگی در پی دستیابی به اهداف انقلاب اسلامی، صدور انقلاب و مردم‌سالاری دینی است. این سند، مهم‌ترین سند راهبردی حاکمیت است که شاید اجرا و نیل به اهداف تعیین شده، از خود تدوین و گردآوری آن مهم‌تر باشد.

### ۵-۲-۴. راه‌کارهای حقوقی شاخصه حکمرانی در دیپلماسی فرهنگی

برای پیشرو بودن در الگوی دیپلماسی فرهنگی پویا که بتوان با استوارسازی آن از نظر حقوقی، رو به جلو گام گذاشت، به نظر می‌رسد پیشنهادهایی برای اقدام تحول‌خواهانه با اتکای به نیروی جوان کشور ارائه داد.



\* حذف و برطرف نمودن قوانین و مقررات تبعیض‌آمیز در همه سطوح و شئون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، علمی، سیاسی، بازار کار، تحصیل دختران، حضور در میداين علمی و ورزشی.

\* تصویب و اجرای قوانین تراز ایران با نگاه به سبک زندگی ایرانی-اسلامی.

\* نگاه به توانایی‌های جوانان و بانوان در تصویب قوانین و نظرخواهی آنان در همه مراحل وضع قوانین و آیین‌نامه‌ها.

\* اهتمام به ارتقای رتبه جهانی در شاخص آزادی با مشارکت دادن پویاتر همه مردم در انتخابات دولت و مجلس، احقاق حقوق شهروندان برای مطالبه‌گری از دولت و رعایت حق انتقاد و اعتراض مردم نسبت به دولت.

\* تصویب قوانین اقتصادی کارآمد و به سود وقت کشور و مردم و برداشتن موانع اقتصادی جهت فعالیت آسان و سالم بنگاه‌های اقتصادی

\* تنقیح و به روز نمودن قوانین به ویژه قوانین فرهنگی برای به کار انداختن پیشران فرهنگ برای امور زیربنایی و آغاز آن از مدارس و دانشگاه‌ها.

\* اصلاح قوانین و رویه‌های حشو و اضافی برای بهبود شاخص مطبوعاتی و رسانه‌ای کشور و پشتیبانی قانونی بیش‌تر از قشر خبرنگار.

\* افزایش شفافیت و صداقت و ایجاد رابطه اعتماد بیش‌تر و پاسخگو میان مردم و مسئولین زیرا که طبق سخن شیوای امام خمینی رحمت الله علیه مردم ولی‌نعمت ما هستند که نشان‌دهنده ارزش بسیار زیاد و شگرف مردم و قوای مردمی در نگاه امام خمینی رحمت الله علیه می‌باشد.

\* بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه فرهنگ در عرصه بین‌المللی و حمایت قانونی و حقوقی بیش‌تر از آن‌ها در تصمیمات قضایی.

\* اهتمام جدی به کاهش نرخ قتل در کشور از طریق بالابردن امنیت شهروندان، ایجاد حلقه ارتباطی صمیمی میان مردم و پلیس، وضع و اجرای قوانین پیشگیرانه، ایجاد حس امنیت و عدالت در قلوب مردم بر اساس قانون اساسی ایران.

\* توجه بیش‌تر قوه قضائیه به پیشگیری و آموزش بیش‌تر و حذف روندهای اطاله دادرسی و نظارت بیش‌تر به سامانه‌های اطلاعاتی و مخابراتی و رایانه‌ای همانند ثنا برای آسودگی بیش‌تر مردم.

\* جای‌گزینی مجازات‌های جانشین و مجازات تبعی و اجتماعی با مجازات‌های سنگینی چون اعدام یا حبس ابد.

\* اجرای بیشتر مجازات‌های زندان باز یا نیمه باز، آزادی مشروط، احکام تعلیقی و دادن آرای تعویق حکم.

### ۳-۵. حقوق فرهنگی

سومین بخش عمده دیپلماسی فرهنگی که نیاز به توجه و نظارت و گسترش دارد، حوزه حقوق فرهنگی و مؤلفه‌های حقوقی آن است. یکی از زمینه‌های نخستین در حقوق فرهنگی، پذیرش حقوق فردی است. این که در کشور ایران، شخص دارای چه حقوق فردی است، در رتبه یکم اهمیت است. زیرا شخص باید از حقوق فردی خود آگاه باشد و بتواند حقوق قانونی خود را بازشناخته و اعمال نماید. این که حق دارد تحت آموزش قرار گیرد تا به بلوغ و رشد عقلی رسیده و بتواند به جامعه خود خدمت کند. این که حق تشکیل خانواده دارد. این که بتواند آزادانه هر رشته‌ای را مایل است برگزیند. حق آزادی عملکرد فردی برای شخص متصور است. حق آزادی تن، حق حیات، حق مسکن، حق آزادی رفت و آمد و حقوقی از این دست. حق بیان اندیشه، حق آزادی تعلیم و تربیت، حق آزادی اخبار و اطلاعات، حق نمایش، حق آزادی بیان. برای حقوق فرهنگی بهتر به عنوان یک متغیر اصلی دیپلماسی فرهنگی می‌توان پیشنهادهایی را بازشناسی نموده و به کار بست.

\* پذیرش حقوق فردی شهروندان از راه وضع قوانین و احترام به حریم شخصی افراد، احقاق حقوق افراد بدون تبعیض جسمی، نژادی، جنسی، قومی، زبانی و مذهبی.

\* رعایت حقوق بشر با توجه به قانون اساسی، قوانین عادی و اسناد بالادستی کشور، کنوانسیون‌های گوناگون مانند کنوانسیون حقوق بشر که ایران عضو آن است.

\* احترام و توجه به حقوق اقلیت‌های مذهبی و دینی پذیرفته شده در قانون اساسی در بخش‌های اقتصادی، آموزشی، فرهنگی، دینی، سیاسی و اجتماعی و هنری زیرا از گنجایش و ظرفیت اقلیت‌های مذهبی بسیار و کاربردی در راستای اهداف دیپلماسی فرهنگی می‌توان بهره برد.

\* پذیرش پیمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و عضویت در آن‌ها با توجه به ظرفیت اقتصادی ایران.

\* حضور و مشارکت پویا در پیمان منع تبعیض نژادی و تهیه و فرستادن گزارش دوره‌ای به سازمان ملل متحد.

\* حضور فعال‌تر ایران در پیمان منع کشتار جمعی و فرستادن گزارش‌های دوره‌ای و علمی به سازمان ملل متحد و برگزاری همایش‌های علمی و نشست‌های مختلف با محوریت این موضوع و تأکید بر این امر که ایران همواره قربانی کشتارهای جمعی و تروریستی در زمان‌های مختلف هم-چون پس از انقراض قاجار که دول روس و انگلیس در ایران با راه انداختن قحطی ساختگی اقدام به

کشتار بیش از دو میلیون نفر در ایران وقت نمودند یا کشتار جمعی اسیران جنگی ایرانی به دست صدام جنایتکار یا کشتار فجیع کردهای بی‌گناه و مظلوم حلبچه و سردشت با سلاح‌های شیمیایی، میکروبی و رادیواکتیوی به دست صدام.

## ۶. نتیجه‌گیری

از آن‌جا که دیپلماسی فرهنگی در درازمدت اثرگذاری مناسبی بر روی ملت‌ها داراست و در ارتقاء درک متقابل میان فرهنگ‌ها موثر واقع می‌شود، بنابراین در دنیای امروز، بسنده کردن به کاربرد شیوه‌های گذشته در زمینه دیپلماسی پاسخ‌گوی نیازهای کنونی در گسترش روابط با کشورها نمی‌باشد؛ لذا باید سازوکارهای تازه‌ای برای دیپلماسی فرهنگی تعریف شود تا قابلیت‌ها و توانایی‌های خویش را در نظامی متشکل از اهداف دولت، ابزارهای فرهنگی و انتقال حجم وسیع انتقال اطلاعات به کار گیرد. یکی از حوزه‌های مهم برای استفاده از دیپلماسی فرهنگی، بخش روابط بین‌الملل است و معمولاً در ادبیات سیاست خارجی تعاریف متعددی برای دیپلماسی فرهنگی شده است.

هدف از دیپلماسی فرهنگی؛ معرفی و بیان اهداف، مطلع ساختن، مشارکت دادن و تأثیرگذاری بر مردم دیگر کشورها است. دیپلماسی فرهنگی، تبادل ایده‌ها و اطلاعات از طریق گفتگوی فرهنگی، گفتگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، کتاب و هنر در بین ملت‌ها برای توانمندسازی تفاهم متقابل و حفظ منافع ملی، تحقق اهداف با استفاده از ابزارهای فرهنگی است.

البته برای اجرای دیپلماسی فرهنگی، راه‌کارهای بسیاری مانند تقویت فعالیت شبکه‌های اجتماعی در ارائه تصاویر واقعی و دوستانه از ایران در عرصه صلح‌دوستی و مبارزه با تروریسم و عدالت‌طلبی، آماده‌سازی و عرضه محصولات و آفریده‌های هنری و فرهنگی در حوزه سینما و رسانه و صنایع دستی و تجسمی را می‌توان برشمرد. راه‌کارهای حقوقی و حمایت‌های قانونی از اصحاب هنر و رسانه و فرهنگ‌ورزان و کسانی که با فرهنگ در ارتباطند، از زمینه‌های ضروری برای نشان دادن دیپلماسی فرهنگی شایسته تراز ایران اسلامی در جهان است.

قانون اساسی، سند چشم‌انداز و اصول سیاست فرهنگی کشور نموده‌های اسناد ثابت و کلان نظام حقوقی کشور در مقوله فرهنگ هستند که پایه‌های اصلی ساختمان دیپلماسی فرهنگی را در عرصه بین‌الملل و سیاست خارجی ایران به خوبی نمایندگی می‌کنند. در این راستا، زبان حقوقی کشور به خوبی دیپلماسی فرهنگی را به همگان شناسانده است که این مهم نیاز به توجه و بذل عنایت جدی و اساسی مسئولان را برای اجرایی کردن اهداف موردنظر دارد. زیرا در بخش عملیاتی دیپلماسی فرهنگی، تاکنون به شایستگی و آن‌گونه که باید، سرمایه‌گذاری فکری و عملی نگردیده است.

تأکید بر عناصر مشترک فرهنگی شامل حوزه تمدنی، حوزه جغرافیای فرهنگی که جشن نوروز و زبان فارسی نمونه‌های حلقه اتصال فرهنگی ایران در منطقه‌اند، حوزه تمدن اسلامی، ایجاد گفتمان- های عدالت محور و صلح طلب به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی، گسترش گفتگوی سازنده با ادیان و مکاتب جهان از جمله راه‌کارهای پیشنهادی دیپلماسی فرهنگی در ایجاد هم‌افزایی فرهنگ‌ها و احترام متقابل و ترویج فرهنگ تعامل و مدارا برای صلحی سازنده، پویا و پایدار در جهان امروز هستند که به خوبی عمل می‌کنند. در واقع باید بیان نمود که گفتمان‌سازی دیپلماسی فرهنگی از ره‌گذر این راه‌کارها، در تأمین و پیش‌برد منافع ملی؛ کمک شایانی را خواهد نمود و تصویرسازی از وجهه پویا و سازنده ایران را برعهده خواهد داشت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

- آشنا، حسام‌الدین (۱۳۸۴). *کتاب امریکا ۶ (ویژه دیپلماسی عمومی)*، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی.
- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌اله (۱۳۹۶). «دیپلماسی فرهنگی و نقش انجمن‌های دوستی در روابط بین‌الملل»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، سال دهم، شماره ۳۸، تابستان.
- اصول سیاست فرهنگی کشور*، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، روز ۱۳۷۱/۵/۲۰.
- آلادپوش، علی؛ توتونچیان، علیرضا (۱۳۷۲). *دیپلمات و دیپلماسی*، تهران: وزارت امور خارجه، سازمان چاپ و انتشارات.
- بشیر، حسن (۱۳۹۵). *دیپلماسی گفتمانی: تعامل سیاست، فرهنگ و ارتباطات*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و نمایندگان فرهنگیان جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، روز ۱۳۸۸/۱۲/۱۱. برگرفته از تارنمای Khamenei.ir
- بیلیس، جان و اسمیت (۱۳۸۳). *جهانی شدن سیاست*. ترجمه ابوالقاسم راه چمنی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- خانی، محمدحسن (۱۳۸۴). «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها»، *دانش سیاسی*، شماره ۲.
- حقیقی، رضا (۱۳۸۶). *فرهنگ و دیپلماسی در آینه دیپلماسی فرهنگی اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- سازمند، بهاره؛ براتی، مسعود (۱۳۹۳). *الزامات و چالش‌های دیپلماسی عمومی ایران در عصر جهانی شدن*. تهران: انتشارات مرکز ملی جهانی شدن.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون برنامه پنج ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب مجلس شورای اسلامی به تاریخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۵.
- مورگنتا، هانس، جی. (۱۳۸۴). *سیاست میان ملت‌ها*. ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- نای، جوزف (۱۳۸۹). *قدرت نرم*. ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق.
- هادیان، ناصر؛ سعیدی، روح‌الامین (۱۳۹۲). «از دیپلماسی عمومی سنتی تا دیپلماسی عمومی نوین: رویکرد هابرماسی»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۶۸.
- Braisted, Poul. J (1986), "Cultural Affairs and Foreign Relations", American Assembly.
- Harrison, Patricia de Stacy & other (2005), "Cultural Diplomacy The Linchpin of Public Diplomacy Report Diplomacy", *Report of the Advisory Committee on Cultural Diplomacy U.S. Department of State September 2005*, available at: <http://www.publicdiplomacy.org/55.htm>.

- Kiełdanowicz, Marta Ryniejska, (2009), "Cultural Diplomacy as a Form of International Communication", *Institute for Public Relations BledCom Special Prize*, available at: <http://www.instituteforpr.org/topics/cultural-diplomacyinternational-communication/>.
- Mark Leonard and Catherine Stead, (2002), "Public Diplomacy", Foreign Policy Center, London.
- Nye, Joseph S, (2004), "Soft Power: The Means of Success in World Politics". New York: Public Affairs.
- Schneider, Cynthia P (2006), "Cultural diplomacy: hard to difine, but tou'd know it if you saw it", *Brown Journal of World Affairs*;Fall/Winter2006, Vol.13 Issue 1, available at: <http://connection.ebscohost.com/>.



Research Article

## **Study of the legal requirements of Iranian Cultural Diplomacy in the field of International Relations**

**Yashar Taheri<sup>1</sup>**

Date of received: 2021/05/15

Date of Accept: 2021/06/10

### **Abstract**

In the events of recent years, cultural diplomacy in the field of international relations, in order to improve relations and ties and relations between countries, especially societies and governments in the region, has a special place and leads to convergence between governments and nations. Cultural diplomacy as a tool of foreign policy of the countries, which is responsible for the art of promoting and spreading culture in all its dimensions, in providing the grounds for joint cooperation, recognizing cultures and exchanging cultural values, and stabilizing and stabilizing relations. Sustainability has a profound effect on peoples, tribes, indigenous communities and governments. This article, which is done with a library and analytical method and a comparative, descriptive view and collection of reports and current events, tries to explain the role of cultural diplomacy, which is a type of public diplomacy, in the region and The global arena and its legal components and requirements should be explained by looking at the country with an international approach. We seek to answer the question of what rules and legal instruments the system of the Islamic Republic has for dynamic and active cultural diplomacy in international relations and between countries and peoples. Eventually; We conclude that by looking at upstream legal documents such as the Constitution and a major institution such as the Supreme Council of the Cultural Revolution, as well as the rational and correct use of the rules of international law in Iranian cultural diplomacy, we can complete the way to achieve It pursued the rightful place of the goal and played a key role more in the regional and international equations, for sustainable development and peace and friendly dialogue.

**Keywords:** Cultural Diplomacy, Constitution, Soft Power, International Law, International Relations, Public Diplomacy, Cultural Law.

### **Citation (APA 6th ed. / APSA)**

Taheri, Yashar (2021). "Study of the legal requirements of Iranian Cultural Diplomacy in the field of International Relations". *Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media*. Vol. 4, Num. 2, S.No. 14, pp. 53 - 78.

---

<sup>1</sup>. Research Fellow, KSSI. PhD Student in Private Law, Islamic Azad University, Khuzestan Science and Research Branch and University Lecturer, Ahvaz, Iran.

Email: Dr.yashartaheri@gmail.com

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

## References

- Abolhassan Shirazi, Habibollah, (2017), "Cultural Diplomacy and the Role of Friendship Associations in International Relations", *Quarterly Journal of International Relations Studies*, Year 10, Issue 38, Summer. (in Persian)
- Aladpoush, Ali and Tutunchian, Alireza, (1993), *Diplomat and Diplomacy*, Tehran, Ministry of Foreign Affairs, Printing and Publishing Organization. (in Persian)
- Ashna, Hesamuddin, (2005), *Book of America 6 (Special on Public Diplomacy)*, Tehran, Cultural Institute of International Studies and Research. (in Persian)
- Bashir, Hassan, (2016), *Discourse Diplomacy (Interaction of Politics, Culture and Communication)*, Tehran, Imam University Press. (in Persian)
- Bilis, John and Smith, (2004), *The Globalization of Politics*, translated by Abolghasem Rah-e Chamani, Tehran, Abrar International Institute for Contemporary Studies and Research, Tehran.
- Braisted, Poul. J (1986), "Cultural Affairs and Foreign Relations", American Assembly.  
*Constitution of the Islamic Republic of Iran*. (in Persian)
- Hadian, Nasser and Rouhalamin Saeedi, (2013), "From Traditional Public Diplomacy to Modern Public Diplomacy: Habermas Approach", *Strategy Quarterly*, No. 68. (in Persian)
- Haghighi, Reza, (2007), *Culture and Diplomacy in the Mirror of EU Cultural Diplomacy vis-.-Vis the Islamic Republic of Iran*, Tehran, Al-Huda International Publications. (in Persian)
- Harrison, Patricia de Stacy & other (2005), "Cultural Diplomacy The Linchpin of Public Diplomacy Report Diplomacy" , *Report of the Advisory Committee on Cultural Diplomacy U.S. Department of State September 2005*, available at: <http://www.publicdiplomacy.org/55.htm>.
- Khani, Mohammad Hassan, (2005), "Cultural diplomacy and its place in foreign policy", *Political Science*, No. 2. (in Persian)
- Kieldanowicz, Marta Ryniejska, (2009), "Cultural Diplomacy as a Form of International Communication", *Institute for Public Relations BledCom Special Prize*, available at: <http://www.instituteforpr.org/topics/cultural-diplomacyinternational-communication/>.
- Law of the Fifth Five-Year Development Plan of the Islamic Republic of Iran (2015-2016)* approved by the Islamic Consultative Assembly on 10/15/2010. (in Persian)
- Mark Leonard and Catherine Stead, (2002), "Public Diplomacy", Foreign Policy Center, London.
- Morgenthau, Hans, J., (2005), *Politics among Nations*, translated by Homeira Moshirzadeh, Tehran, Office of Political and International Studies, Ministry of Foreign Affairs.
- Nay, Joseph, (2010), *Soft Power*, translated by Seyed Mohsen Rouhani and Mehdi Zolfaghari, Tehran: Imam Sadegh University.



- Nye, Joseph S, (2004), "Soft Power: The Means of Success in World Politics". New York: Public Affairs.
- Principles of the country's cultural policy*, approved by the Supreme Council of the Cultural Revolution, on 5/20/1371. (in Persian)
- Sazmand, Bahareh and Masoud Barati, (2014), *Requirements and Challenges of Iranian Public Diplomacy in the Age of Globalization*, Tehran, National Center for Globalization Publications.
- Schneider, Cynthia P (2006), "Cultural diplomacy: hard to difine, but tou'd know it if you saw it", *Brown Journal of World Affairs*; Fall/Winter 2006, Vol.13 Issue 1, available at: <http://connection.ebscohost.com/>.
- Statement of the Supreme Leader of the Islamic Revolution in the meeting of the Minister of Culture and Islamic Guidance*, the head of the Organization of Islamic Culture and Communication and the cultural representatives of the Islamic Republic of Iran abroad, on 11/12/2009. Taken from Khamenei.ir website. (in Persian)



پیشہ و کمال کا علم اور انسانی و مطالعاتی مرکز

پیشہ و کمال کا علم اور انسانی و مطالعاتی مرکز